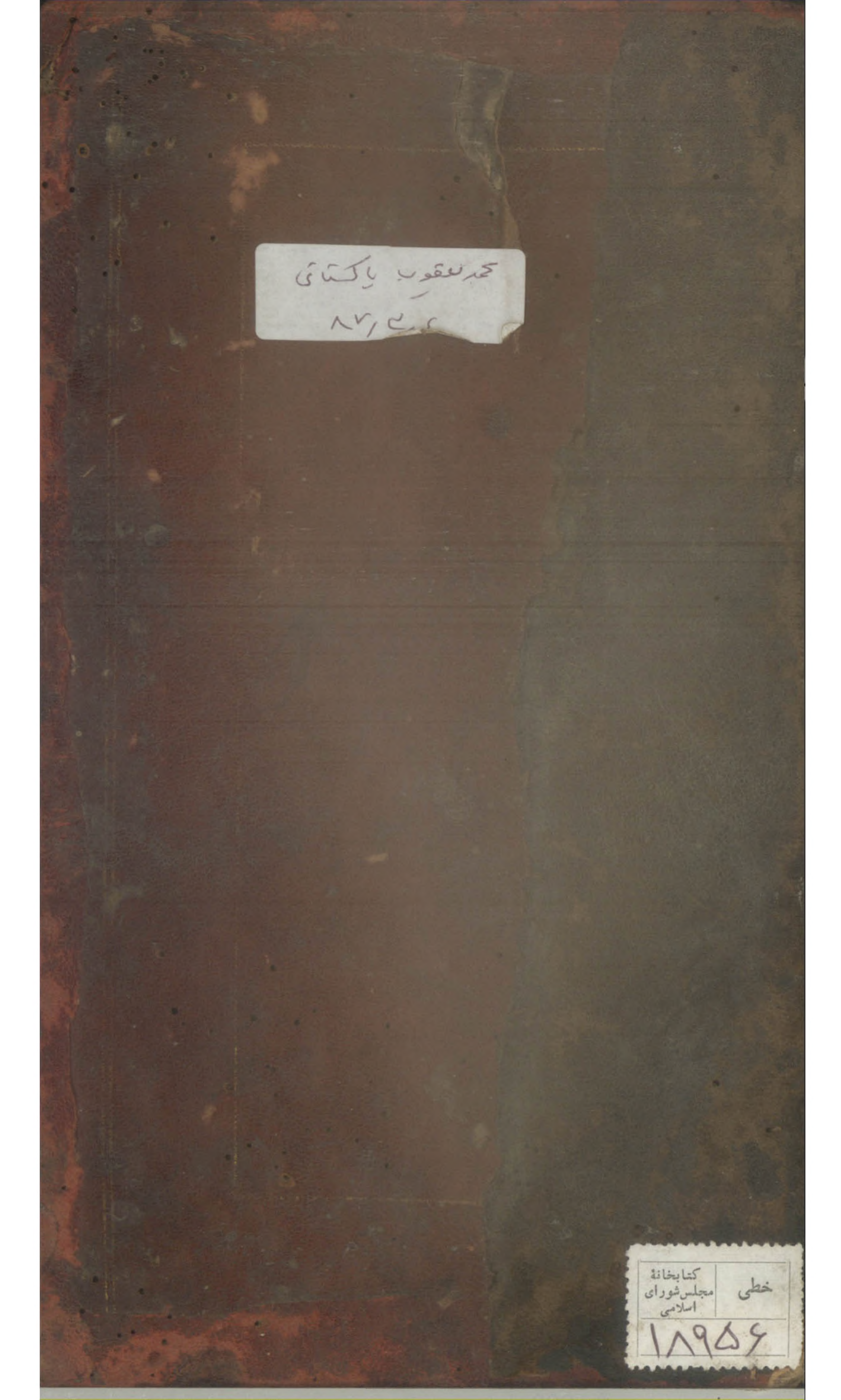
محمد یعقوب پاکستانی
عربی ۸۷
کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
خطی
۱۸۹۵۶

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
کتاب: مجمع البحرین (شرح دیوان حافظ)
مؤلف: سیف الدین ابوالحسن عبدالرحمن
مترجم:
شمارهٔ قفسه: ۱۸۹۵۶
شمارهٔ ثبت کتاب: ۲۱۰۱۲۱

خطی
کتابخانه مجلس شورای اسلامی
۱۸۹۵۶

۱۸۹۵۶
۲۱۰۱۲۱

18956
210121
خطی
کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
۱۸۹۵۶

غزل اول از مقالات خواجه بیدل از کتاب بنام رب الارباب

بسم الله الرحمن الرحیم و تمم بالخیر

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی

خطی

۱۸۹۵۶

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی

خطی
۱۸۹۵۶

وهو ... شاهد و اشال آن هر کجا که مذکور کنند ارباب اشارت مع اهل حجاب نشاید بود

و هر چه ... جود گوینده هر چه جوینده زو جوینده ماسوی را در وجود نه بیند از بود و نمودی نبود

الفارق ... در شهور سنه احدی و عشرین الف که اوان زیارت روزی در رویتی با کمال محجوب

پسری صاحب جمال در سن دوازده ساله که در مجلس فخر ده للامراء روز نموده الا افتخار شیخ حبیب

سندی در طلوع مرتبه نور در آمد و از مجلسیان برتر آمد آن درویش بعد از دریافت

ملازمت شیخ از توجه بسر آیات نمود حضرت شیخ جانب پسر توجه فرمود و گفت

که ای پسر سخنی بگو دعا و اهل مجلس بجواب پسر از کمال شناسایی نمی در سخن درآمد که هم را

سرود بر آمد و گفت اگر از حقیقت سیر رسید آن خود بیان نیازد که مطلب انسان نخواهد

و اگر از مجازی بر رسید آن خود وهم است و ذکر وهم وهم است ملک منظر سهم است

داما منظور صدرام که نسبت الآن کماکان ثابت و برقرار است که تغیر و تبدل در وی

مدار است و این تغیر و تبدل نمود اوست کثرة موهوم از است پس بی جهد مرانی

مقام مرخوانند که این در جز عجز بر آن قلم راند بیت بیان آن نخواهد هم تام و نشان نامی بی

روی جانان و جانی از خمار ما و من هر کو بر است تا بشراب وصل جانان کی رسیده است

رک معتقد دامن مطلق بگرد عارف حق آن بود کو حق شود هر که از قید تعلق وا رهید

با من و ما نو [illegible] مطلق [illegible] در حقیقت ما و من ستیزه است من نگویم هر که از حق آگه است

حضرت شیخ دا گفتار آن پسر تحسین نمود و در شان او دعای خیر کرد و از اقوال ارباب

وصال است ما شمت المکنات رائحة الوجود حضرت شیخ محی الدین عربی نیز در فصوص

الحکم این قول را ایراد فرموده ما میگوئیم که مراد از این وجود وجود حقیقی است که تعلق بواجب دارد

نه وجود ممکن که زوال آرد و لهذا اعرف علام الغیوب و لیس نزاع فیه بالوجود و اما النزاع

فی الوجود المشتق من الواجب و هو الممکن ثابت و کتب اهل الحق بیانه مشحونة و

نحوه فیما عن الخلاف مصونه کما فی شرح العقاید المشهور للتفتازانی و هو محقق بفعال

فیه قال

فيه قال اهل الحق حقایق الاشیاء ثابتة والعلم بها متحقق و کیف لا یکون ... [illegible]

و تبلیغ الرسالة و انزال الکتب و ارسال الرسل علیه و الاحکام کلها من الکفر و الاسلام و [illegible]

و الهولانیه لدیه و آنچه ذوجودیه این قول را که الحادث اذا قورن بالقدیم لم یبق له اثر از زبان

ارباب وصال ایراد میکنند و این بیت را دور نباشد بیت چو خودی برفت جو ممکن بر دار الامکان

بر شاند بجز واجب دیگر چیزی نماند محمول بطلان الممکن اذا وصل بجبا نیه الله الی

ذروة الکمال و ارتقی الغایة من الوصال فنا التخلق باخلاق الله المتعال لم یبق فیه اثر

من اوصاف الممکنات و صار واجبا بالصفات لا بالذات لان الوجوب بالذات

خاصه کالقدم کما ثبت فی فصوص الحکم و بها وصل العارف بهذا المنزل من الطریقة

واشرق علیه شمس الحقیقة صار کانه عند اقامته تواری الممکنات عن نظره کتواری الذرات

والنجوم عند اشراق الشمس فالممکنات تتواری عن نظره لکنها ثابتة فی مقامها فی العلم

والاعیان و حضرت شیخ محمود شبستری در [illegible] که [illegible] وجه با وقت [illegible]

سفته که نابودن دیگر است و نادیدن دیگر بعض ارباب وصال چون بکمال رسند فی مقعد صدق

خود را [illegible] حق سبحانه و تعالی بحکمت بالغه خود ایشان غشاوه بر بصیر ایشان انداز دو بعضی [illegible]

پوشیده میسازد که [illegible] بیند تا در [illegible] غشاوه اند افتد و بعضی

این نزار پوشیده ساخته که چیزی [illegible] بینند در مقام هلاک [illegible] که در این شان

زیانکار است و موجب هلاک و ابتلا است و آنچه امام محمد غزالی رحمة الله در مشکوة الانوار

[illegible] اهل [illegible] بر باید که [illegible] العارفون [illegible] الی ذروة الحقیقة

فراد بالمشاهدة العیانیه انه لیس فی الوجود الا الله و ان کل شیء هالک الا وجهه لا انه یصیر

هالکا فی وقت من الاوقات بل هو هالک ازلا و ابدا [illegible] از وصول این مقام است

که واصل را اینجا [illegible] و نه نام است و بعضی ارباب وصال را این حالة لحظه او تحقق

روی مینماید باز در مقام نزول آمده بکمال نزدیم باز می آید و بعضی را [illegible] دایم وصل الوداد

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
خطی
۱۸۹۵۶

... ربا بالعیان انه لیس فی الوجود الا الله دایم الاوقات لا فی ساعة
من الساعات و این معنی اشعار بوده آنچه عارف کامل فرموده بیت هر سو چار سوی
شهر بری / کردم امروز بهر طرف نظری / کافرم گر بجز خدا دیدم / کی درآید بچشم من دگری
و آنچه بعضی از عرفای مکاشف و عرفان پناه کاملی بر آنند که در بعضی محلی واجب را بکثرت
مقام دلالت رفت و التصدیق آن بر عاقل دشوار رفت که موجب صلوة الله و سلامه علیه
در بعضی شجره زیتون تجلی حق در مشاهده [illegible] از تحکیم بواجب رسید تا حضرت
عنه اصدق الصادقین و اعلم العالمین فی القرآن المبین و آنچه بعضی عرفا و مکاشف بعضی
نار علی التعین حق [illegible] و تصور کنند آن حالتیست که مکاشف را طاری میشود
و از ظهور [illegible] میکند و حالتی الخیالی است که بیرون از حد امکان است یعنی
لطیفه الهی که در دل سالک است در جنبش درآید و فواره وار از جنبش برآید و در جو
و هر خود شده و در باشد سالک را مشهود در آن حال سالک را غیر تجلی حق در نظر
نمی آید و نظر [illegible] بهر چه نظر کند عین او گردد همچو غریقی که در دریا جانب
نگاه کند و بهر چه غیر آب نمی بیند که آب در چشمش جا کند و آنچه بعضی از جاهلیه این
حال انکار نموده اند و این را حقیقه از حقایق و فهم اندکی نیز در شیعت و در مجمل
توضیح این حال نموده است که حال چرا تکبر گیرد امداد بر تو حقیقه از حقایق
کرده و صفتی از صفات او شود [illegible] که علم در درایت خبری [illegible] و از خبر
معاشر [illegible] بکمال خود رسد و در وجود عالم تکبر کند حقیقه از حقایق
او شود و صفتی از اوصاف او گردد و هکذا سایر احوال اخبار انکار رفته و ان اتباع
در باب حق قرار گرفت لکن الفقهاء ستر و اجمال و المنکر علیه لحفظ اهل الظاهر
عن التجاهر بالدعوی فانکارهم شفقة علیهم صواب و المنکر علیهم بهذا البنیة مصاب
فان بعض الفقهاء محق و بعضهم مقلد و کل واحد من الفریقین اصاب بالصواب ان اصاب

تمام شد

ظاهر السنة و الکتاب لانهم مراد اهل الظاهر و قالوا نحن نحکم بالظاهر [illegible]
امثال و من خالفهم خسر خسرانا مبینا ثم ان اعرفت الغایة من السالک وصل الی ذروة الکمال و ارتقی الغایة
من الوصال بطی المنازل کلها من الملکوت الی الجبروت الی اللاهوت و سر الجمال [illegible]
و کم ثبات مات [illegible] الحضرت ذی الجلال و لا قبیة صلی الله علیه و سلم مرجوا ان اصل مقام
الوصال و خالص من النقص و الزوال ان شاء رب المتعال فما احسن ما قال قائل فی الغیة لنفسی قطعه
و حد [illegible] راه موصل الصواب و حدت این قوم رفیق هر شانی تنزه محرم این قوم
از کمال انقطاع قوم شود خبر از شرح محمد رانجا شد خبره و الطائفة التی تقول کنت و کنت
در بر درکت فانها ما شمت رایحة المعرفة لان حقائق [illegible] و من کشفها لی
بالمعاصرة [illegible] و الله یقول الحق و هو یهدی السبیل و مشهور آنکه بوده که مراد [illegible] و کلمه
الا ارا الحلیل [illegible] آنکه همزه استفهام بوده و لاکه کلمه نفی شود پس معنی بیت چنان
بود که [illegible] سخن در آن شود یعنی ای ساقی استفهام و عاقبت اندازه را نفی سازد [illegible] را
هرگز بخاطر مینداز و در صدد و دریافت حالی ما باش و دل را [illegible] این و آن محراب
کاسه عشق و محبت [illegible] تا مدهوش گردم و از کشاکش حوادث برایم که حق
اول بجا آرسانم نموده آخر الامر خون دل یا بوده ولی بوی نافه کاخر صبا زان طره بگشاید
ز تاب جعد مشکینش چه خون افتاد در دلها حرف ما برای تقسیم است و بوی منقسم به و مصراع ثانی
مقسم علیه که باصطلاح [illegible] کویند خوبان [illegible] بوی نافه ما [illegible]
آهو که در آن مشک [illegible] و بوی خوش در جمله غزلها [illegible] از مقام [illegible]
بمقام فانی [illegible] از کمال [illegible] ملک الملکوت [illegible] آن جام
[illegible] رساند خوشان و شادان [illegible] حافظ حضرت جام
جای دیگر خود [illegible] این عقده را خود بگشایند هر جا [illegible] مشتاقان [illegible] پیغام دوست
تا کنم جان از سر رغبت فدای نام دوست ولی بوی نافه کنایه از ذوق آن پیغام است

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
خطی
۱۸۹۵۶

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
خطی
۱۸۹۵۶

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
۱۸۹۵۶

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
۱۸۹۵۶

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
خطی
۱۸۹۵۶

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
۱۸۹۵۶

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
۱۸۹۵۶

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
۱۸۹۵۶

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
۱۸۹۵۶

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
خطی
۱۸۹۵۶

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی

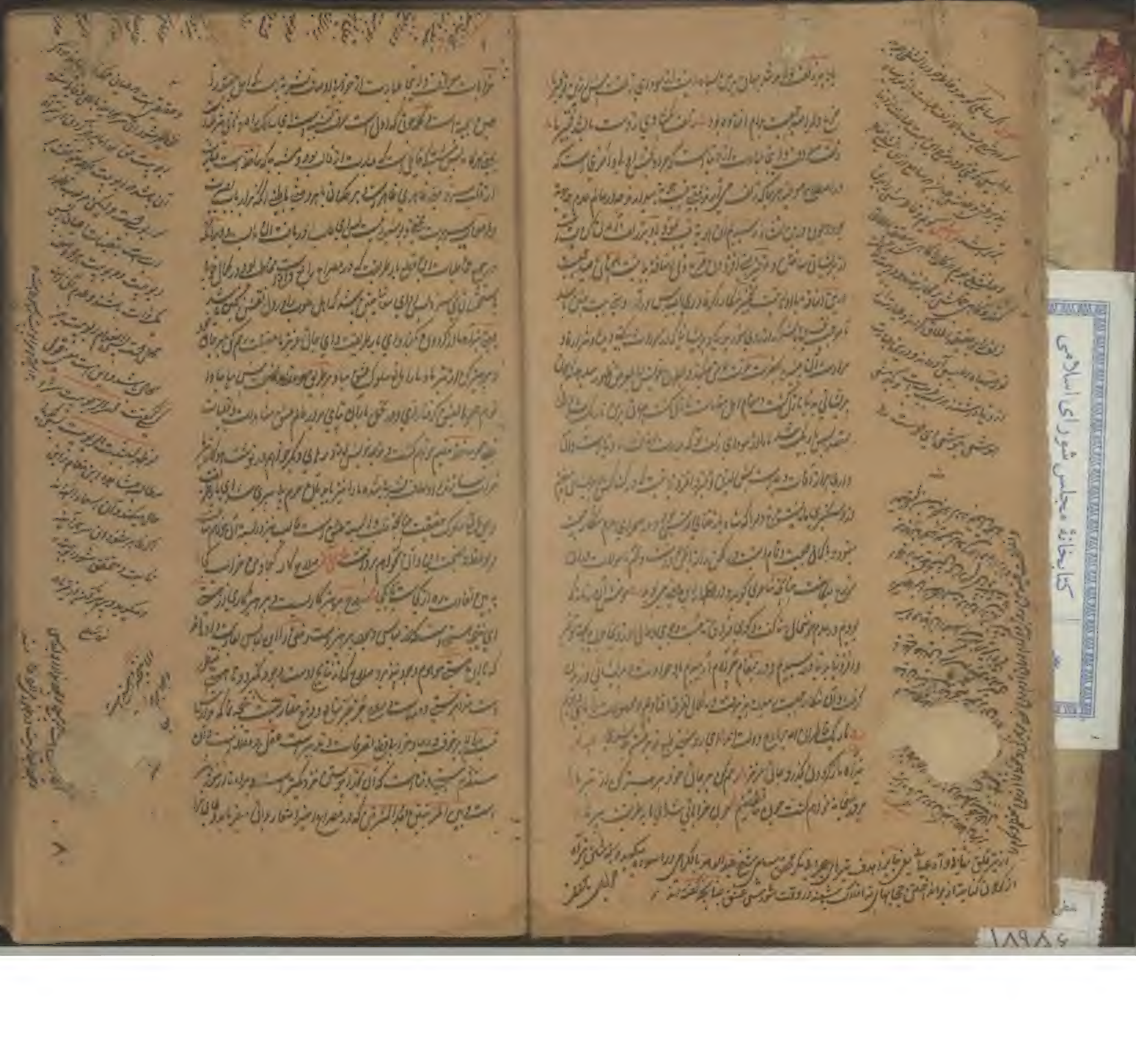
کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
۱۸۹۵۶

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
۱۸۹۵۶

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
۱۸۹۵۶

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
۱۸۹۵۶

[illegible]

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
۱۸۹۵۶

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
۱۸۹۵۶

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
۱۸۹۵۶

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
۱۸۶۵۶

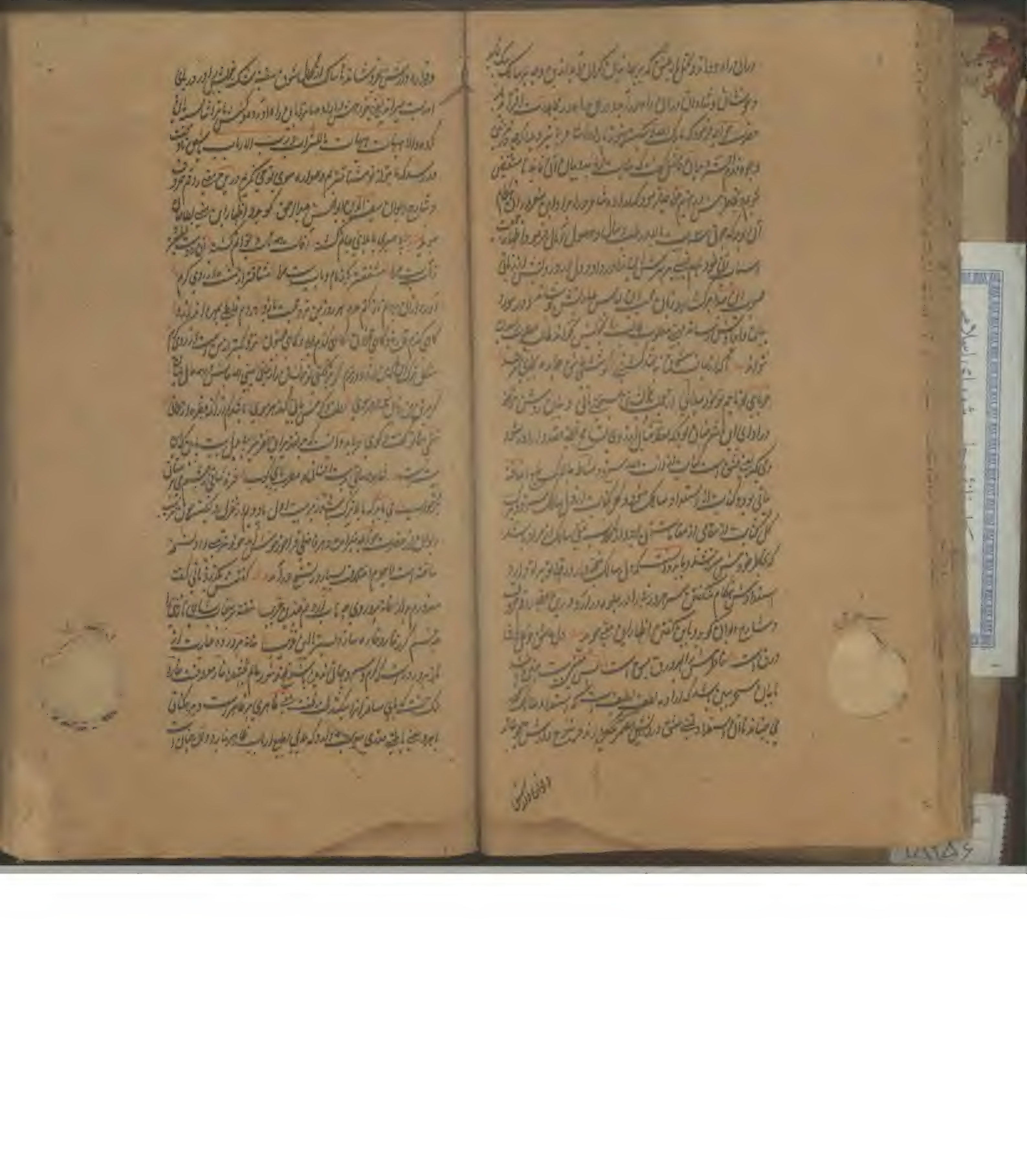

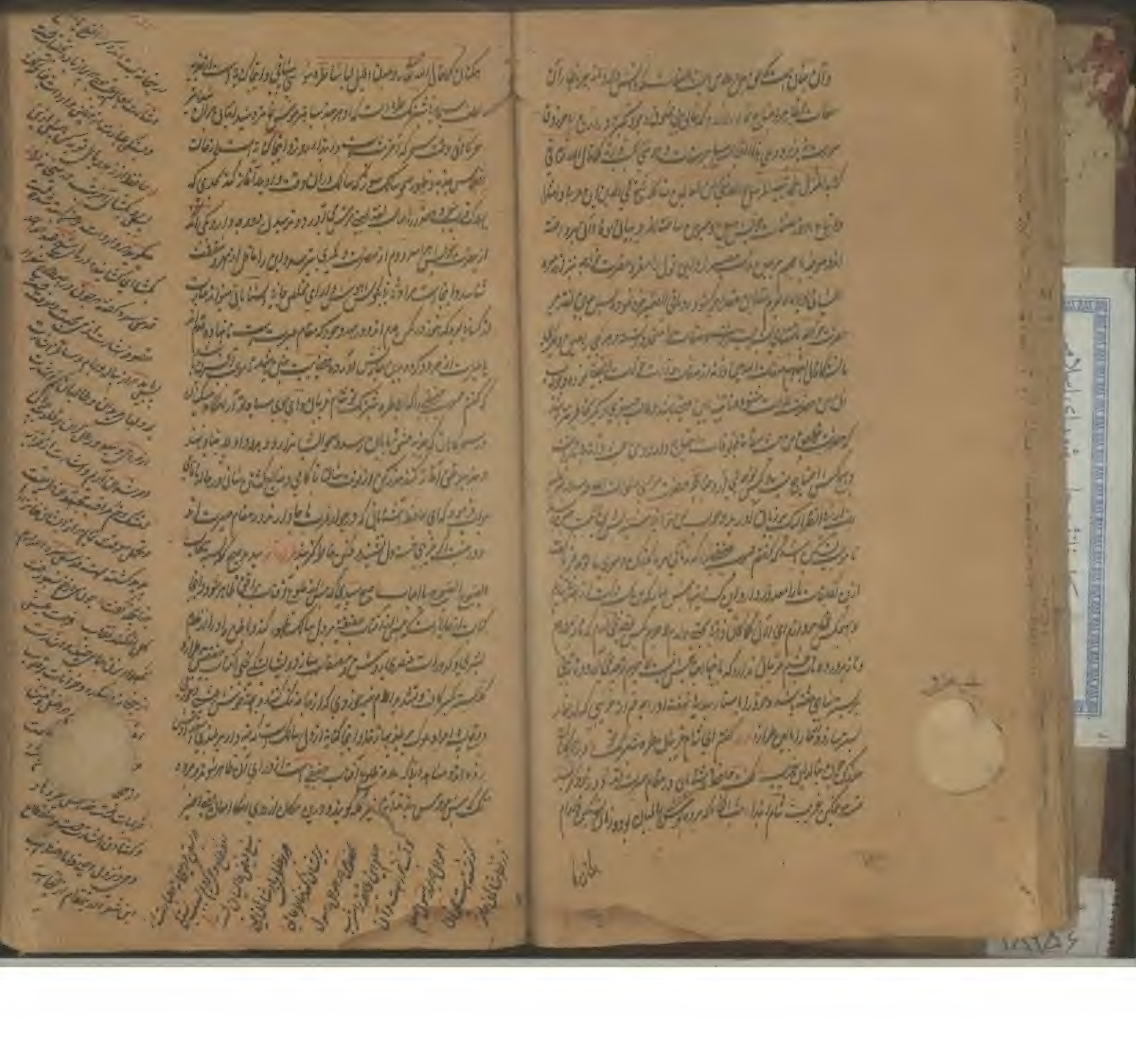

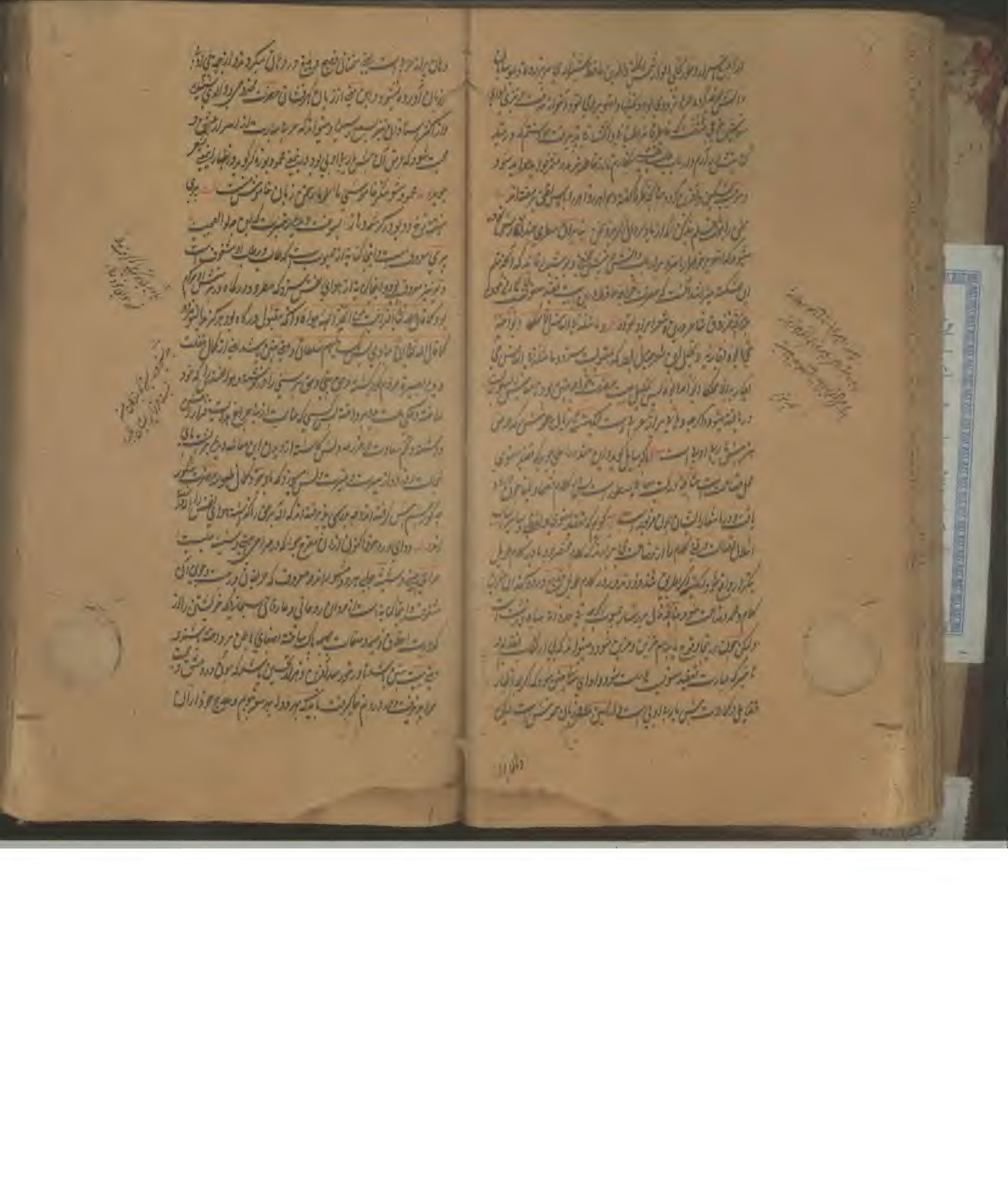

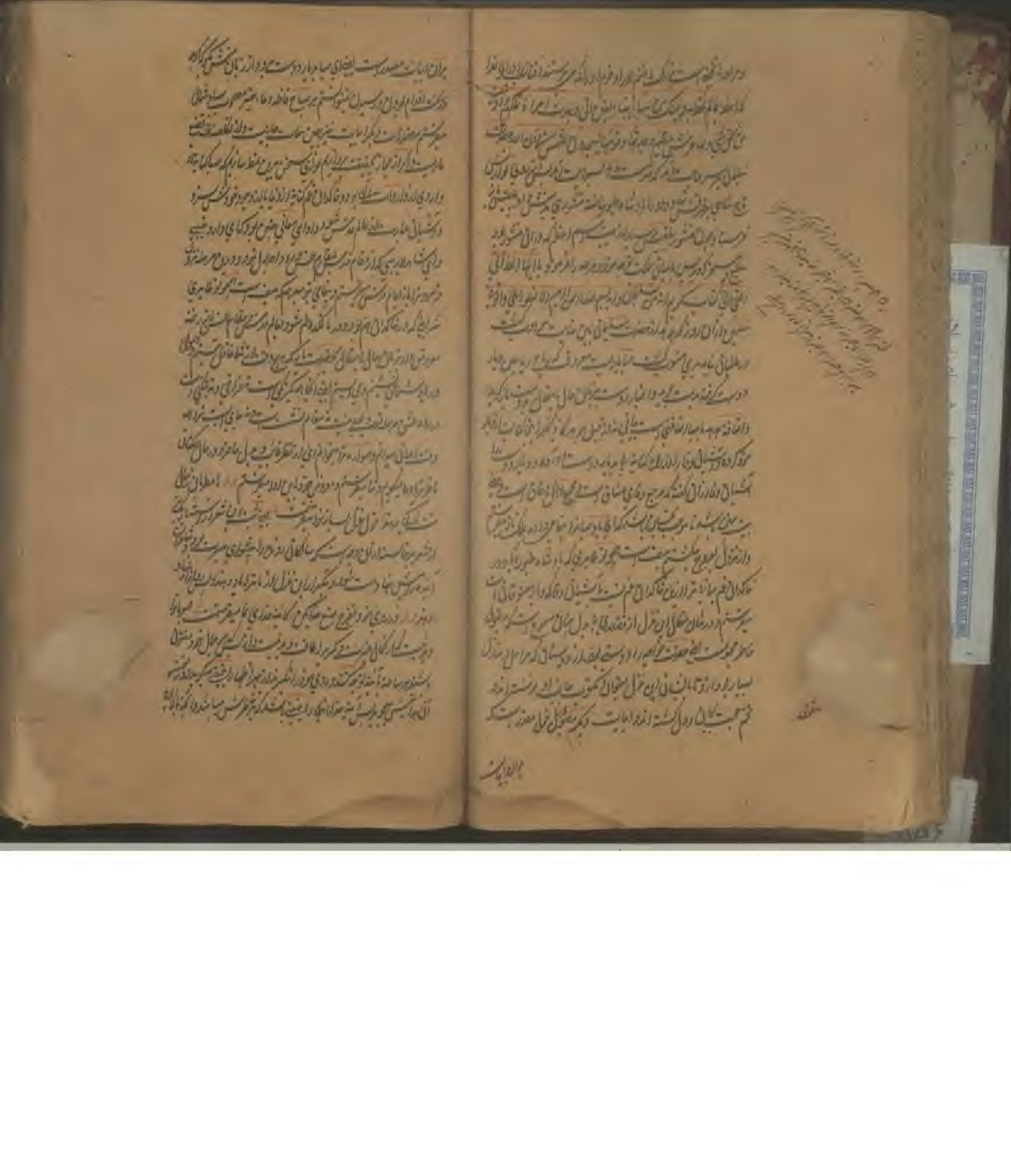

[illegible]

[illegible]

جون امر [illegible] است [illegible] [illegible]

و [illegible] سلسله [illegible] است [illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible] [illegible] است [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] است [illegible]

الست [illegible] [illegible]

[illegible] است [illegible] حضرت

سلیمان علیه السلام [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] رب العالمین [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] است [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible]

که این [illegible] و بکری [illegible] الشاره [illegible]

[illegible] است [illegible] [illegible]

و جمال [illegible] لطیفه است [illegible] که نام آن [illegible]

[illegible] [illegible]

و [illegible] [illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible] از [illegible]

و خال [illegible] [illegible] زلف

[illegible] است [illegible]

[illegible] زلف و [illegible] و خال [illegible]

[illegible] و خال [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] خال است [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] حقیقت [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible] [illegible]

که هر [illegible] و [illegible] [illegible] [illegible] در

[illegible] عاشق [illegible] کار [illegible]

[illegible] عشق [illegible]

[illegible] عشق [illegible]

[illegible] عاشق [illegible]

[illegible] عشق [illegible]

[illegible] عشق [illegible]

[illegible] عاشق [illegible]

[illegible] عشق [illegible]

[illegible]

[illegible] عاشق [illegible]

[illegible] عشق [illegible]

[illegible]

[illegible] عشق [illegible] عاشق [illegible]

[illegible] عشق [illegible]

الطائر [illegible]

در [illegible] عاشق [illegible]

[illegible] عشق [illegible] عاشق [illegible]

[illegible] عشق [illegible]

[illegible] عشق [illegible]

[illegible] عالم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

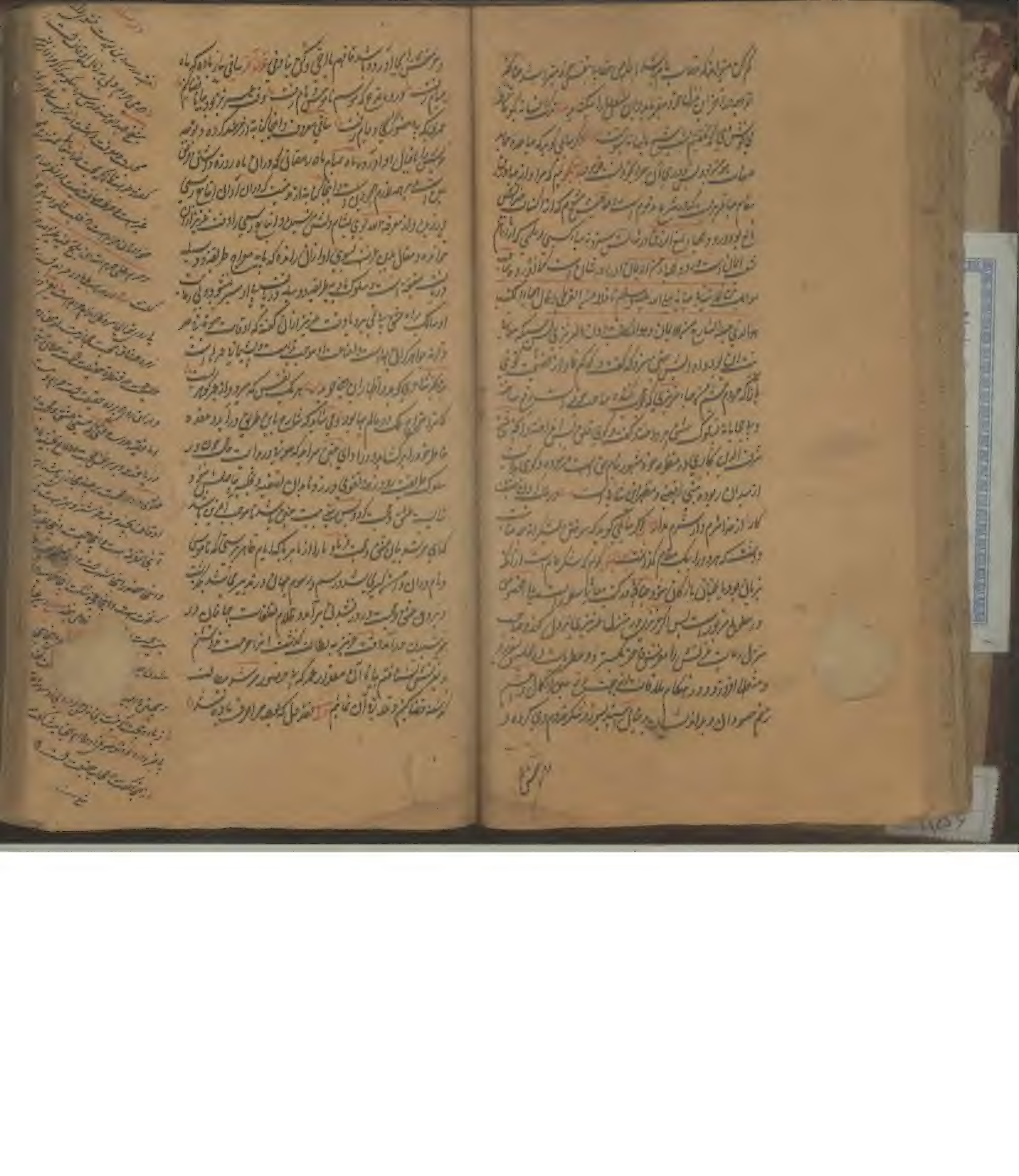

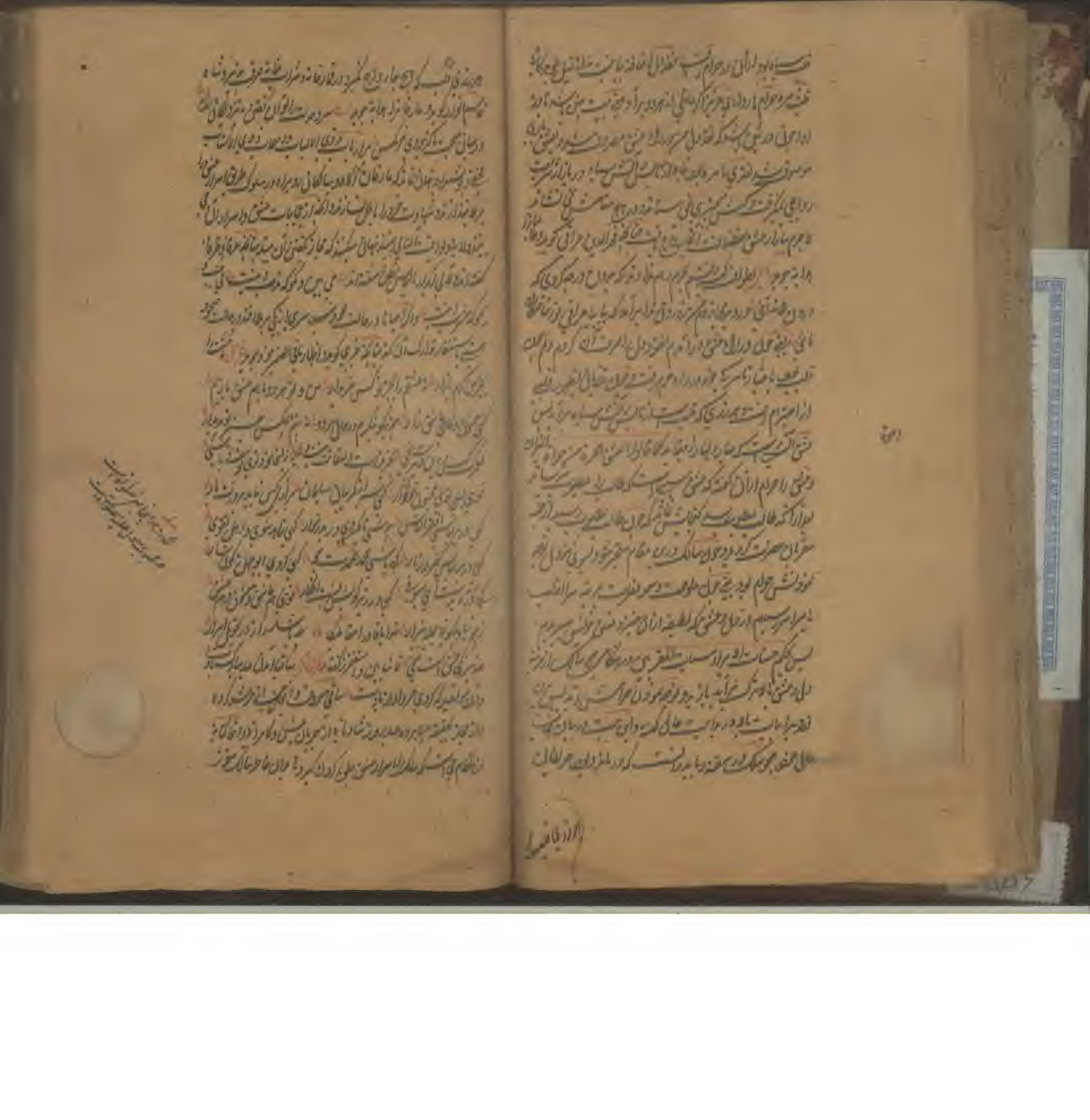

[illegible]

[illegible]

[illegible] مقام [illegible] و در [illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible] است [illegible] عالم [illegible]

[illegible] است [illegible] عبارت [illegible]

[illegible]

[illegible] آن [illegible] است [illegible]

[illegible]

[illegible] عبارت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

شود

دیگر [illegible] عبارت [illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible] عبارت [illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible]

[illegible] عبارت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible]

[illegible] عبارت [illegible]

[illegible]

[illegible] عبارت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible] است [illegible]

حجاب [illegible] تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز
[illegible]

[illegible]

[illegible]

دوم شراب [illegible] سوم شراب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] بیت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

چون [illegible]

[illegible] سعادت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت شیخ سعدی [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

باده مستانه [illegible] آنکه [illegible]

که سالکان [illegible]

[illegible] عبارت [illegible]

رسول صلی الله علیه وسلم [illegible] قال رسول الله صلی الله علیه وسلم

[illegible] اصحاب النبی [illegible]

[illegible] سالکان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حسن [illegible] که [illegible]
[illegible] و [illegible] حسن [illegible]
[illegible] بی [illegible]
[illegible] است [illegible]
[illegible]
در [illegible] الصدق [illegible] است [illegible]
[illegible] است [illegible]
[illegible] او [illegible]
[illegible] است
[illegible]
[illegible]
و [illegible] عاشق
[illegible] و [illegible]
[illegible]
[illegible] و عاشق [illegible]
[illegible]
[illegible] بی [illegible]
[illegible] است [illegible]
[illegible] است [illegible]

الی [illegible] تهذیب اللغات [illegible]
[illegible] و این [illegible]
[illegible]
[illegible] اهل [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] عشق [illegible] و العاشق [illegible]
[illegible] است [illegible]
است و اشارات [illegible]
[illegible]
[illegible] و [illegible]
[illegible] این [illegible]
[illegible] النفس [illegible]
[illegible]
[illegible]
در ازل [illegible] النفس [illegible]
[illegible] النفس [illegible]
[illegible] است [illegible]
[illegible] است [illegible]
[illegible] این [illegible]
[illegible] عشق

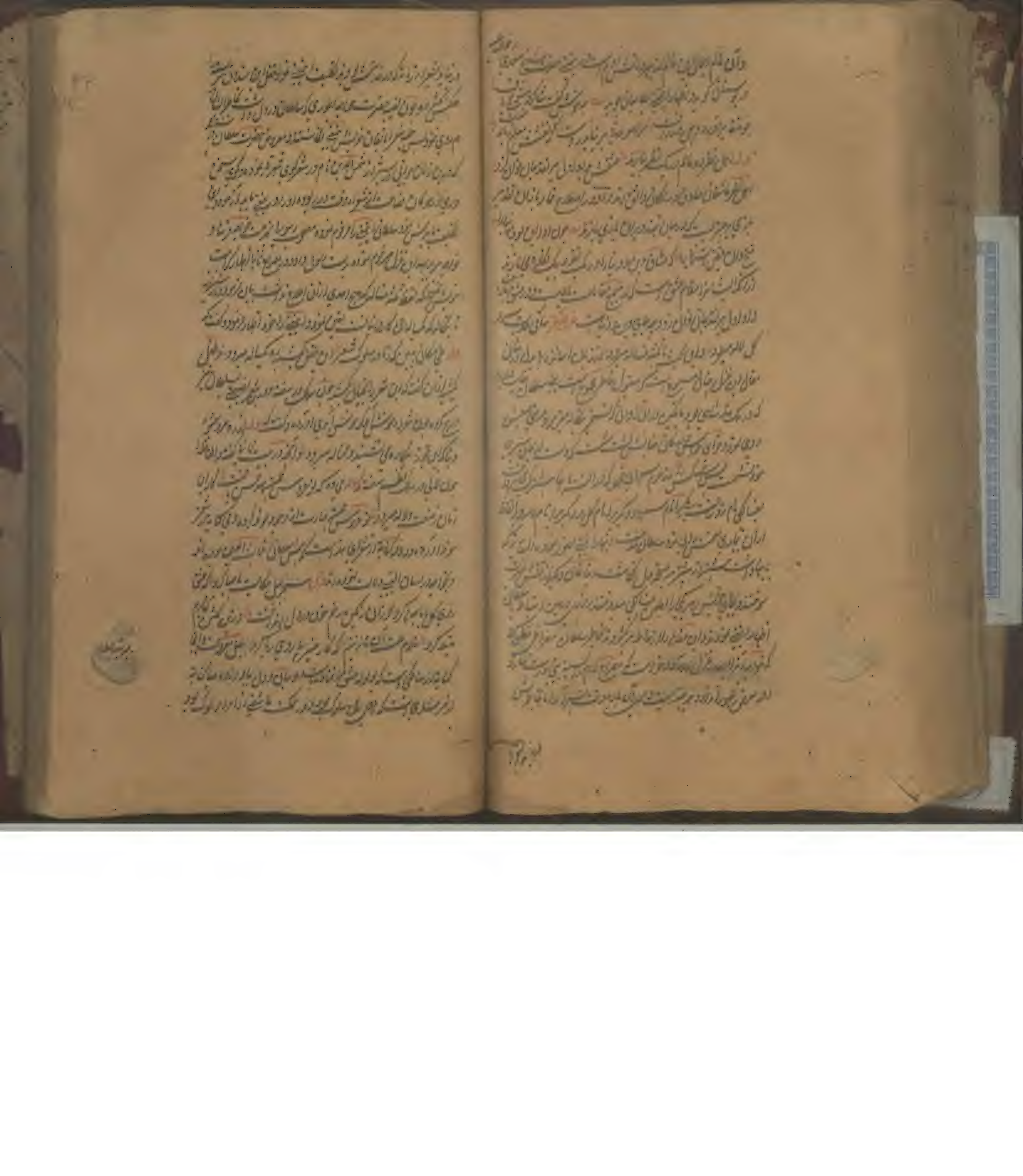

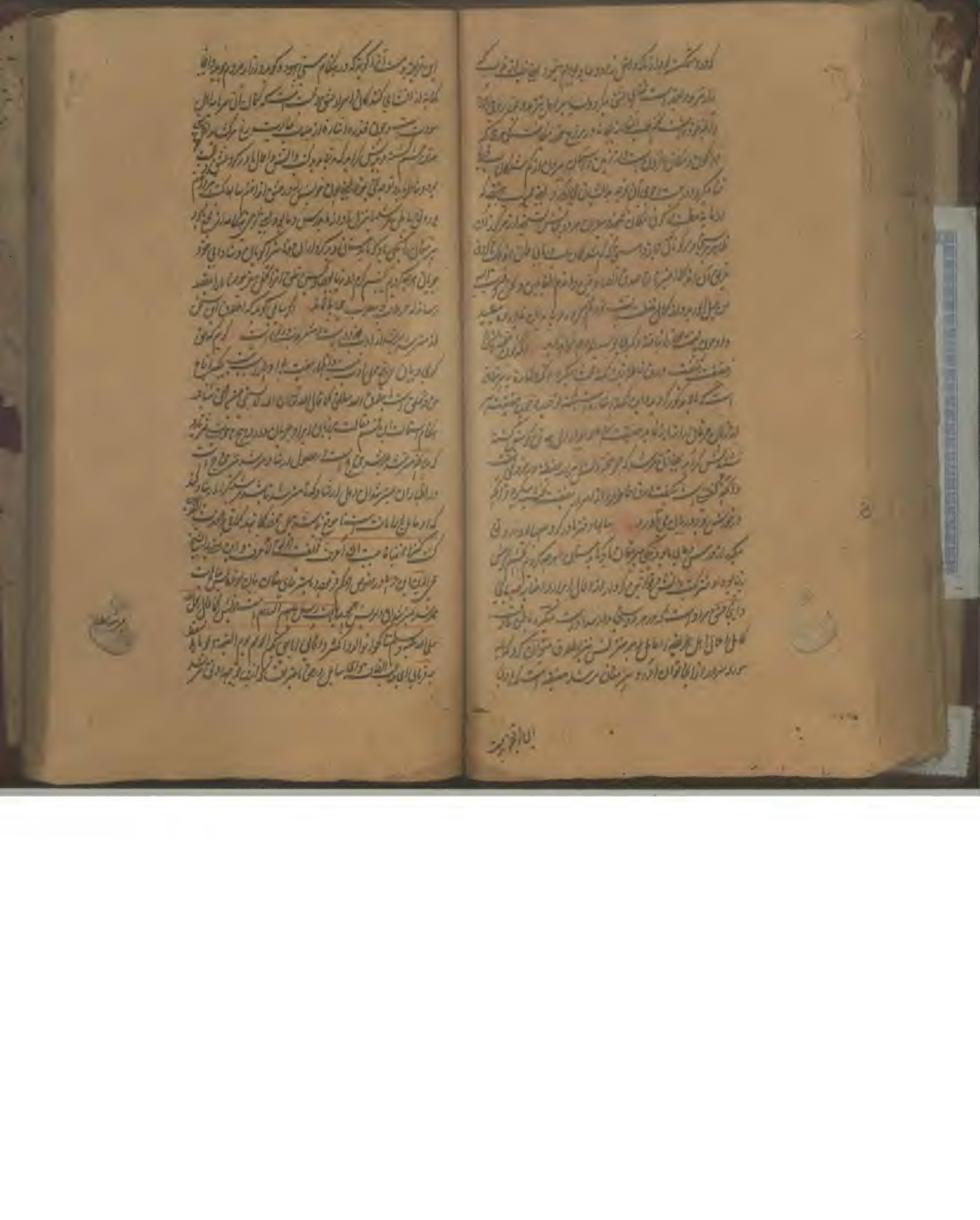

[illegible]

[illegible]

معلوم است [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] تفسیر [illegible]

[illegible] رسول [illegible]

[illegible]

[illegible]

رسول علیه السلام [illegible]

محمد [illegible]

[illegible]

و در جایگاه [illegible] عادت [illegible] است [illegible]

[illegible] شد [illegible] است [illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible] که عالم [illegible] است

[illegible] زبان [illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ازرفتار [illegible]

ازو زبان معروف بوده [illegible] وما اوتیتم من العلم الا قلیلا

[illegible]

[illegible]

[illegible] ... او را ... [illegible]

[illegible] ... طریق ... [illegible]

[illegible] ... را ... [illegible]

[illegible]

[illegible] ... بیت ... [illegible]

[illegible]

[illegible] ... الله ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ... الله ... [illegible]

[illegible]

[illegible] ... مقبول بود ... سلطان العلماء والاعلام مولانا

[illegible] ... بیت ... [illegible]

[illegible] ... اسرار ... [illegible]

[illegible] ... رساله ... [illegible]

[illegible] ... مصراع اول

[illegible] ... مصراع ... مصراع رابع ... [illegible]

[illegible]

[illegible] ... کلام ... [illegible]

[illegible] ... اسرار

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ... الله ... [illegible]

[illegible] چون عنوان [illegible] حقیق [illegible] مسطور [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] معارف [illegible]
[illegible] حقایق و معارف [illegible]
[illegible] معارف [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] معارف [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] سعادت [illegible]
[illegible] ظاهر پرستی [illegible]
[illegible]
[illegible] ظاهر پرستی [illegible] باطن [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] شعر [illegible] کلام موزونی

حق [illegible] مراد محبت [illegible] رساله خرابات گفته [illegible]

که [illegible] از [illegible] است [illegible] عبارت از زمان

[illegible] ذوق را [illegible]

باعتبار [illegible] تمکین [illegible]

[illegible] مراد [illegible] باقی [illegible]

[illegible] اهل اسلام [illegible]

چاره [illegible] کمالی [illegible]

[illegible] از رسول صلی الله علیه و سلم

میکند [illegible] محبت [illegible]

[illegible] کمال [illegible]

[illegible] محبت [illegible]

[illegible] چاره [illegible]

[illegible] کمالی [illegible]

[illegible]

[illegible] محبت [illegible] حقیقة [illegible]

[illegible] محبت [illegible]

[illegible] ادبی [illegible] الطبع [illegible]

[illegible] صحبت [illegible]

[illegible] عالم [illegible]

[illegible]

که مراد [illegible] حقیقی باشد که از مجاز [illegible] سعادت [illegible]

حقیقت باشد

حقیقت [illegible] محبت [illegible] از [illegible]

کمال [illegible] باعتبار [illegible]

[illegible] اهل اسلام [illegible]

[illegible] از [illegible] هجرت [illegible]

[illegible] از هجرت [illegible]

[illegible] در باب [illegible]

[illegible] حروف [illegible]

[illegible] از [illegible]

[illegible] در باب [illegible]

[illegible] از [illegible]

این [illegible] حقایق [illegible]

سعادت [illegible]

[illegible] از [illegible]

[illegible] باشد [illegible]

[illegible] حاصل [illegible]

[illegible] در [illegible]

[illegible] مراد [illegible]

[illegible] از [illegible]

[illegible] از [illegible]

در [illegible]

[illegible]

[illegible] عالم [illegible] کمال [illegible]

[illegible] مراد [illegible]

[illegible] عالم وجود [illegible]

[illegible] که حالات [illegible]

[illegible] نام [illegible]

[illegible] از آن [illegible]

[illegible] لطافت [illegible]

[illegible] این راز [illegible]

[illegible]

[illegible] جمال [illegible]

[illegible]

[illegible] تمام [illegible] السلطان

[illegible]

[illegible]

[illegible] جلوه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] این دنیا [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] جز فلاطون خم نشین شراب سر حکمت

بما که گوید باز [illegible]

[illegible]

[illegible]

بر جمیع اجزای او [illegible] حافظه [illegible] و مقدار این [illegible]

[illegible] است [illegible] بر [illegible] ازو [illegible] و [illegible] این [illegible]

این بود [illegible] کرده [illegible] که از [illegible] جسم و در سوم [illegible]

[illegible] طبقه [illegible] یا [illegible] را [illegible]

و [illegible] طبقه [illegible] را [illegible]

[illegible] نور [illegible]

[illegible] طبقه [illegible] و [illegible]

[illegible] مراد [illegible]

[illegible] بر [illegible] و [illegible]

[illegible] و [illegible]

[illegible] که [illegible]

[illegible] الله [illegible]

[illegible] بر [illegible]

[illegible] طبقه [illegible]

[illegible] طبقه [illegible]

[illegible] و [illegible]

[illegible] اجزا [illegible]

[illegible] از [illegible]

طبقه [illegible] و [illegible] طبقه [illegible] این طبقه [illegible] از آن

[illegible] طبقه سیوم

[illegible]

شبکی است و این طبقه بالای [illegible] بود و او را [illegible] شبکی از آن خوانند که

[illegible] طبقه چهارم [illegible] این طبقه بالای طبقه [illegible]

[illegible] و [illegible] از [illegible]

[illegible] طبقه [illegible] بود و این طبقه بالای طبقه [illegible] و او

[illegible] دارد [illegible] و در میان [illegible]

که [illegible] از آن [illegible] طبقه [illegible] است [illegible]

طبقه [illegible] از [illegible]

[illegible] نور [illegible]

[illegible] قرن [illegible]

[illegible] و [illegible]

[illegible] طبقه [illegible] بود و آن بالا [illegible] طبقه [illegible]

[illegible] اجزای جسم [illegible] اجزای جسم را

[illegible] و [illegible] نور [illegible]

[illegible] از آن گفته که [illegible]

[illegible] جمیع طبقات [illegible]

[illegible] شود [illegible] قال الله [illegible]

[illegible] از [illegible]

[illegible] و [illegible]

[illegible] طبقه [illegible]

[illegible] از [illegible]

[illegible] خیال [illegible]

استفهام ... بیت ... [illegible] آن کمان ابروان که تو ... [illegible]
[illegible] ... حال ... [illegible] ... [illegible]
[illegible] ... وصل ... [illegible] ... را ... [illegible] ... باشد
[illegible] ... [illegible] ... که ... [illegible] ... حال ...
[illegible] ... است که ... [illegible] ... تمام ... [illegible]
[illegible] ... [illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible] ... صفت ... [illegible]
[illegible] ... صیغه واحد ... غایب معلوم ... [illegible]
[illegible] ... [illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible] ... است ... حال ... [illegible]
سوال ... [illegible] ... [illegible]
بیت ... [illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible] ... [illegible]
[illegible] ... حال آن ... [illegible]
[illegible] ... حال ... [illegible]
[illegible] ... [illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible] ... است ... [illegible]
[illegible] ... [illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible] ... [illegible]

بابا بیا و بار ده ... [illegible] ... بابا بیا و بار ده ... کمال الکمال
[illegible] ... کمال الکمال ... [illegible]
است ... صیغه واحد ... معلوم است ... [illegible]
[illegible] ... صیغه واحد ... غایب معلوم ... [illegible]
است من الضرب ... [illegible] ... [illegible]
[illegible] ... است ... [illegible]
عبارت از ... است ... [illegible]
[illegible] ... بیت ... [illegible]
[illegible] ... کمال ... [illegible]
[illegible] ... کمال ... عبارت ... [illegible]
کمال ... [illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible] ... [illegible]
بیت ... [illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible] ... [illegible]
[illegible] ... است ... [illegible] ... است
[illegible] ... [illegible] ... [illegible]
[illegible] ... صیغه واحد ... غایب ... [illegible]
است ... [illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible] ... [illegible]

هر راه حقیقی از دوست [illegible]

و دوران [illegible] که خود [illegible]

[illegible]

احوال [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] چون [illegible]

تقصیر [illegible]

[illegible]

[illegible] کلام [illegible]

[illegible] عشق مجازی [illegible]

[illegible]

[illegible]

آن حضرت [illegible] و مخالف [illegible] در مثنوی معنوی [illegible]

بان [illegible] است [illegible] مثنوی [illegible]

که [illegible] این طریق [illegible] که این بیت [illegible] بالا [illegible] کلام [illegible]

بود [illegible] خود [illegible] در [illegible] اول [illegible] رفته بود [illegible]

این [illegible] که [illegible] در آن [illegible] بود که [illegible]

خود [illegible] دل [illegible] بیت [illegible]

ای [illegible] دم [illegible] زبان [illegible]

و [illegible] معنوی [illegible] دل [illegible]

[illegible] در [illegible] بیت [illegible]

[illegible] حرف [illegible]

[illegible] از [illegible] یا [illegible]

[illegible] حرف [illegible]

بیتم

[illegible] از [illegible] و [illegible]

[illegible] مراد بود [illegible]

[illegible] در [illegible]

[illegible] نام [illegible] است از [illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible] و [illegible]

[illegible] حقیقی [illegible]

[illegible]

و ذوق [illegible]

و ذوق [illegible] در [illegible] و [illegible]

ای [illegible] حقیقی [illegible] محبوب حقیقی [illegible]

[illegible] و [illegible] معارف [illegible]

[illegible] که [illegible] این بیت [illegible]

بیت بالا [illegible] از جانب حضرت [illegible]

[illegible] صباح [illegible]

[illegible] صباح

[illegible] صبح [illegible]

از [illegible] و [illegible] از [illegible]

[illegible] ساقی [illegible] از حضرت [illegible]

[illegible] از [illegible]

[illegible] بیت [illegible] عشق [illegible] عشاق [illegible]

[illegible] از [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] شراب [illegible] در جام [illegible]

[illegible] در [illegible]

از [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible] عشق [illegible] از [illegible]

[illegible] از حضرت رب الارباب است [illegible]

و [illegible] از حضرت [illegible]

از [illegible] و [illegible] از [illegible] نام [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ... بوالحسن ... [illegible]

[illegible] ... ابوجهل ... [illegible] ... نام ابوجهل ... [illegible]

[illegible]

[illegible] ... رسول الله صلی الله علیه و سلم ... [illegible]

[illegible]

کتابت این شعر [illegible] خواند [illegible]

بوده و از [illegible] عالم [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

که سکندر کتابت از [illegible]

و [illegible] کتابت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

از [illegible] سکندر [illegible]

کتابت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

و مثنوی [illegible] را با [illegible]

و رنا [illegible] سکندر کتابت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

از جهت [illegible] و [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

از جهت

از جهت حصول عرفان موجود ساخته [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

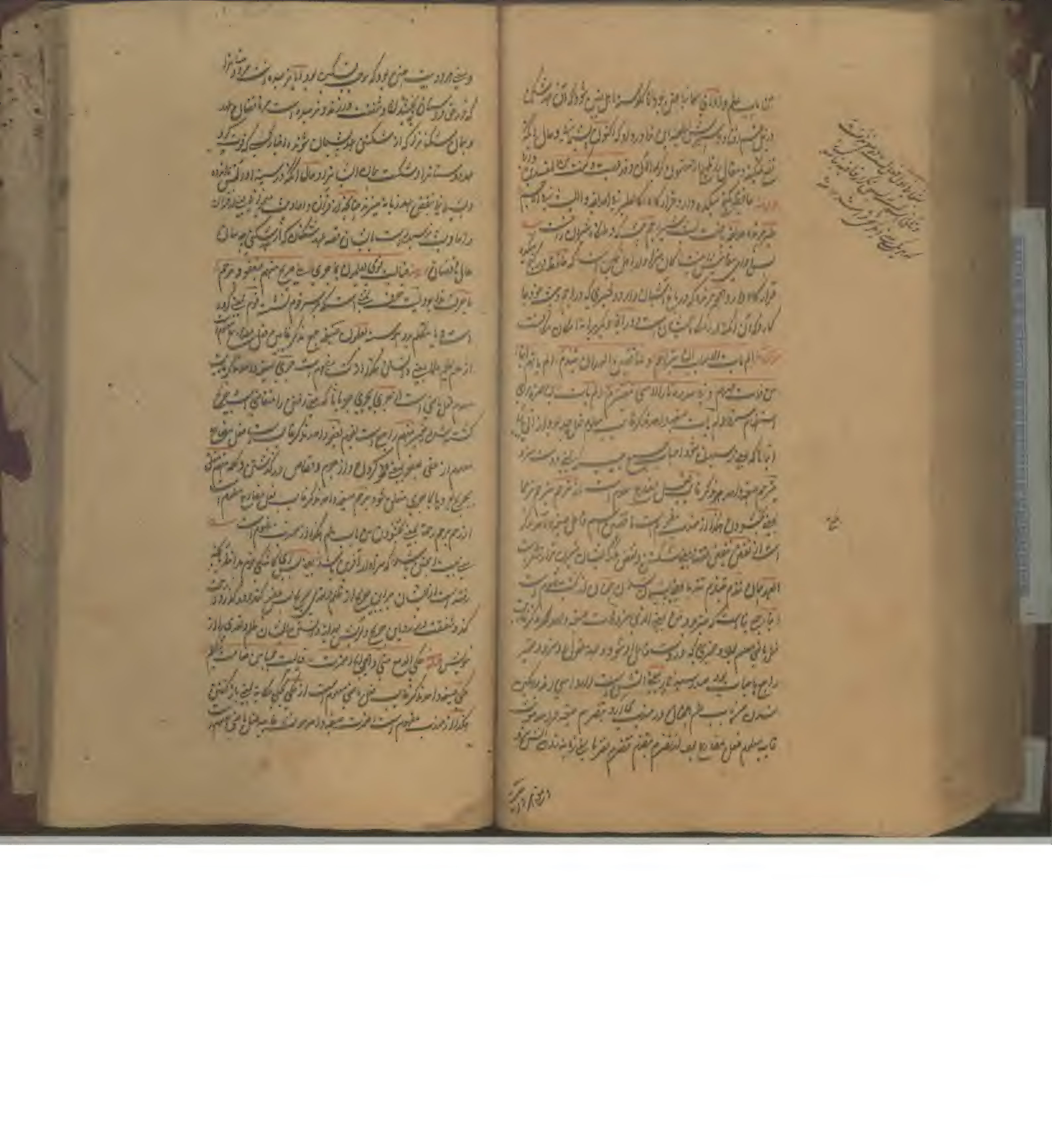

[illegible]

[illegible]

خود را ... خود را از روی نصیحت [illegible]

[illegible] از روی [illegible]

[illegible]

این [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

اوائل [illegible]

از آن [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سلیمان [illegible]

[illegible]

[illegible] سلیمان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

و گوید [illegible] حضرت شیخ [illegible] حاصل [illegible]

خود را [illegible] از دوست [illegible]

[illegible] ظاهر [illegible] خود را [illegible]

[illegible]

[illegible] حاصل [illegible]

[illegible] عارفان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

دیگر [illegible] منزل [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] سلطان [illegible]

[illegible]

در منزل [illegible]

[illegible] حاصل [illegible] دوست [illegible]

[illegible]

[illegible] عارف [illegible]

[illegible] اسلام [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] عارف [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] چشم جادو [illegible] [illegible]

و این از [illegible] است [illegible]

[illegible] مقام است [illegible]

[illegible] مقام [illegible] که [illegible]

[illegible] در مقام [illegible] است [illegible]

[illegible]

[illegible] معلوم است از [illegible]

[illegible] معلوم است [illegible]

[illegible]

[illegible]

مقام [illegible] از [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] کف [illegible]

[illegible]

اواخر

از جهت تجنیس [illegible] الموج [illegible] که عبارت است از [illegible]

مقام [illegible] از شوق [illegible] گریه [illegible] است [illegible]

[illegible] است [illegible] اصل کلمه است [illegible]

اشباع بود [illegible] که [illegible] در اصل [illegible]

ساکن [illegible]

[illegible] اشباع از جهت [illegible]

[illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible] از شوق [illegible] منازل [illegible]

[illegible] منازل [illegible] منزل [illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible] منازل است [illegible] منازل [illegible] است [illegible]

[illegible]

اشباع است [illegible]

[illegible]

از شوق [illegible] منازل [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

این صیغه واحد متکلم فعل مضارع معلوم است [illegible]

[illegible]

آورده‌اند که برپای او از رفعت حضرت حق الکلام [illegible]
[illegible] منظم [illegible] حقیقت [illegible]
[illegible] اخبار [illegible]
[illegible] شریعت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]
[illegible] سلام [illegible]
[illegible] سلام [illegible]
[illegible] السلام [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] سلام [illegible]
[illegible] قرآن [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] والسلام [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

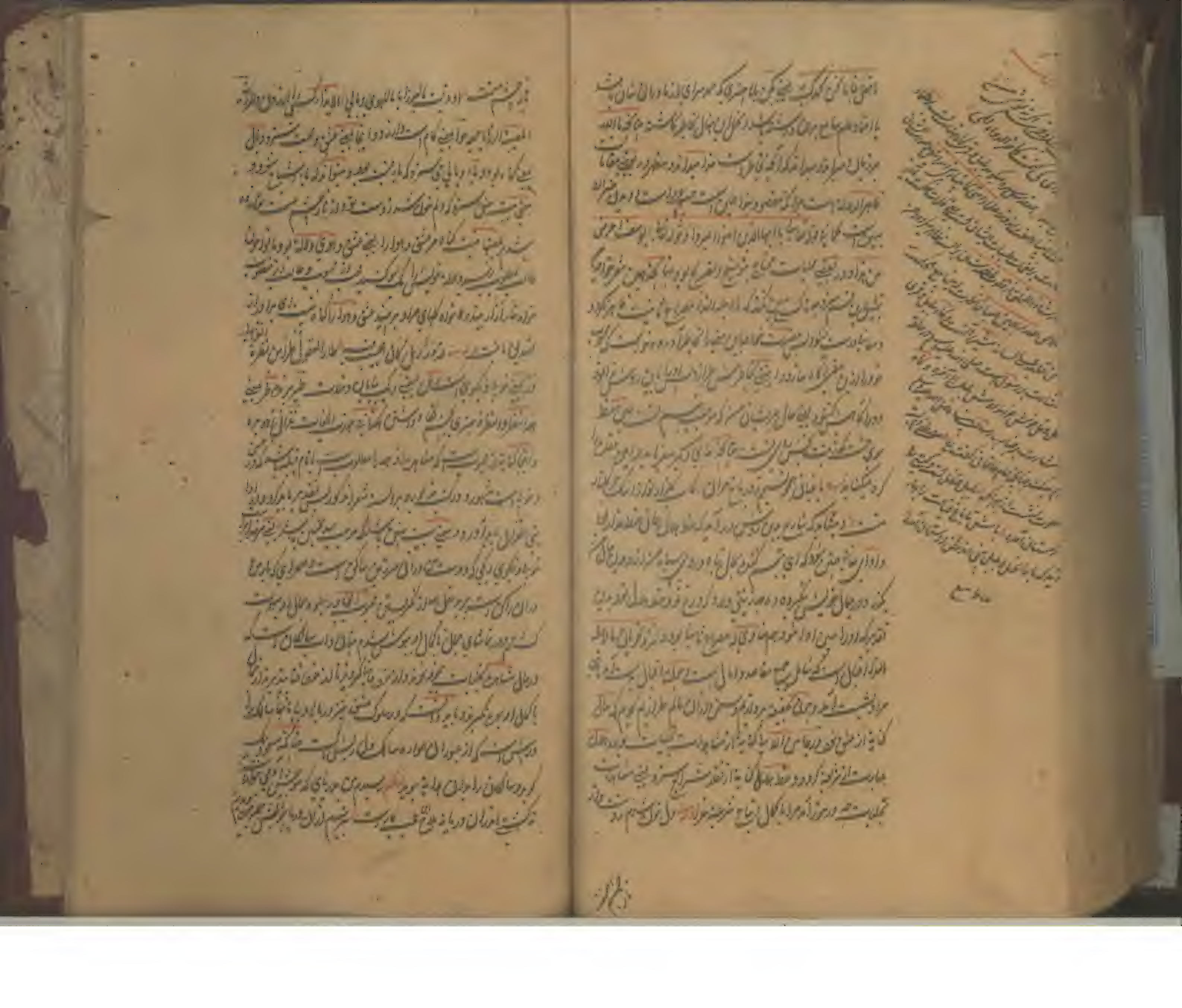

بجلالت الجمال [illegible] و احباب حق المعشوق را حظی است که از قوای کلام [illegible]
[illegible] ارباب الالباب [illegible]
[illegible] از جمله اهل لطف [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] اقرب [illegible]

[illegible] اقرب [illegible]

[illegible] حبل [illegible] اقرب [illegible]

[illegible] اقرب [illegible]

[illegible] اقرب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حبل [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] المستقیم [illegible]

[illegible]

[illegible]

معانی معلوم است [illegible]

واین [illegible]

و ادای هیچ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

این طایفه تراکه جمله اجزا انسی نسبت است که کتاب را از محبوب است که توجه او اهم او را
مطلوب است هر تحمل یعنی مرتبه که این لفظ از مهذب جو اهجا حروف لفظی که برای
کودکان تخته لعل است در تعلیم شان قلب دل وانیجا یعنی میانه است و در روشن
یعنی میزد و حرف روشنی بر وجه اضافه انجا کنایه از حرف است که رقمی است
در علم نجوم و غیره برای فرطایفه قلب اجزا کنایه است از حروف شهود و دل یعنی قلب است
یعنی کرد اند اما حروف برای او خورسند یعنی شاد پس معنی بیتی این بیت چنین باشد اما موجب
تحسین باشد که هر دار و دل از دو جای است و نصف آخر شوهر او در ربودند که الا
ترتیب اجزای او است یعنی ازان جای دنیا در گذشته داخل اهل طریقه شوند اگر شنیده ها
و بنا قلب خود را نزد اینکه و الا ترتیب اجزا او را چشنده یعنی تا اجزای وجود خود را
قلب نکنی و در شناق ان ازین دکوه و پس عناصر را در بر همی ستیزد اری هر گز ندان ما نه چون
و آن کاس نقابت مخفی نظر ازی و بعضی معنای و مکلش چنین سرزد تا در جو اهل تکلیف
نحو اهل کلمه تبدیل کردیم مرد و جزو ب و دوس ب که در کار ما بود بر در داشتیم
ور را بجای خود وش گذاشتیم به کلمه دار اشاره بدان میکند و ازان معنی الگاهی
میر پدرس گفت دل ما در دهر یعنی حرف میانه او را که حرف راست اسی ازان ادهم
و چون هر دو جمع شود مجموع او برا کردد و نصف آخر کلمه شوهر است هو که کیرد تا برابر
شود که کلمه هوس است مستقل است و جزو را اینجا که گذاشت و رها بدو چون کلمه هوس
را قلب کنند یعنی حرف آخر او را الصدر آرند و حرف صدر با [illegible]
عبارت از معنی لعله سوال اگر سابل [illegible]
[illegible] التخصص معنی نکرده و در بخا حضرت خواجه هیچ جای تشخیص نموده و هیچ اسمی
نسبت نفرموده از جاکی معلوم شود که این قطعه در معمای این اسم بوده جواب گویم بر رای
و شرا رمکه عبارت از عشق است باتفاق آرا محبوب صوفیه است و نام پس خواجه

ازان نسبت

[illegible] نام محبوب این طایفه بود باین روشنی
[illegible] را اسمی که قلب اوست نصد ازانند و حرف
[illegible] باخر بزند و حرف آخر را بقلبش و اگذارند
منقلب کرده و مطلوب حاصل شود با بیانست
قلب بعضی است تقلیب است که جمله اجزا را
[illegible] بر دارند و هیچ حرفی را بجای خود نگذارند
[illegible] قلب کل و حروف وسط بجای خود گذارند
[illegible] قطعه قلب و حروف اطراف چون
[illegible] ثبات تجرد شی در آرد قطعه در معمی نام [illegible]
[illegible] ازما در دهر ای خواجه نالصف آخر شوهر هوس
[illegible] که چنین نقادی چون حافظ از شعر زرو لیلی خورسند
[illegible] در معنی بیتی عبارت است از دنیا و در بعضی
[illegible] عبارت است از نفس آن کلمه ای برنا و شو
[illegible] نیز در معنی بیتی عبارت است عبارت از
[illegible] مشتمل بحرین است بحر شریعه و بحر طریقه
[illegible] و اجزای وی اندر علی الیقین . بر رای
[illegible] احتیاج هر دو دین تمامیت هر سه بر وجه
[illegible] و در معنی معانی نیز عبارت از نفس آن
[illegible] است ای صاحب یقین پس در معنی
[illegible] نصف آخر عبارت از طریقه سرزد هر جزو
[illegible] او بود و در معنی معمای نصف آخر شوهر هوس
[illegible] و حرف شین مسمی اراده کرده از آنکه
[illegible] شوهر هوس و جزو در است مستقل یکی کلمه
[illegible] شوهر دوم جز شین در آن نیز کلمه البت
مستقل و قلب در معنی بیتی معولات
[illegible] معنی کرد اینده ای الصاحب سداد
[illegible] در معنی معمایی نیز کرد اینده ای صم

ازان نسبت بکم ده که معنی طلب این طایفه طلب است و چون این طایفه معنی است محبوبیت
او و مبرای است مطلوبیه او واحتیاج بیان ندارد که هر که توجه بدو آرد و چون که
جان است چه حاجت بیان است قدوة الابرار و عمدة الاخیار احمد بن محمد الغزالی
رحمة الله در سوانح گوید طالبان این معنی را بجاده چو دید در معنی طلبه چون کس عاشق با یاد
معشوق مشغول شود و هیچ ازین چون کس و هیچ جای خالی نبود چنانکه شاعری در دو
همه گوید ازان بار ما فی الطغر جو دید شعر الا فاسقنی خمرا وقل لی هی الخمر و لا تسقنی سرا
اذا امکن الجهر یعنی زده جام شراب با شم بنا دور ابینید دوست من او را
بگیر در کام من او را چنید و چنی من را بچه او را بوید کمی حس معطل نمانده از دولت
سمع است نام او بس با من شیء زبان مانیست را نیز نصیب باشد از آن یعنی دل را
در مقام معنی نصیب محبت است و سر را مشاهد و روح را وصلت و تن را خدمت و
چشم را دیت با تو که سمع را نیز نصیب باشد تا از غیرت دیده و دلش نگران است آن
شنیدن اسم و صفت او است از غیر چه جای دوست پس ازین استشهاد محقق گشت
که معنی محبوبیت جمع صوفیه است و مطلوب این طایفه علیه احتیاج بیان ندارد که چهره دلبری
توجه بیان آرزو خاتمة الکلام فی شکر الاتمام شکران عطا یا بکدام ترنم سرایم و
این هدایا بچه آداد مودی نمایم و بکدام قلم در املای شکر این فیض آیم که قلم را شکسته دل اهل
این شکسته بسته سیه سواد و هر که بسی از این سواد گشته را که چو فروزان تنویر
آرا آه کار سراج باد از شهر ازان لالی و جیب پر از عطا بر احتیاج [illegible] اهل
[illegible] ملا [illegible] فرخ [illegible] دارد [illegible] پر یاد و دین
بیا تا بگویم با هم سخن زبهر تو آمد ز بحر کهن که چون من نو سرای موج هایی که تیز بر یاد و نقد
توهی اگر دار ان هنر ابیات او با قدر فضلت غزانک یکی ازین هنرا که ای نخشنا زبانی چو آتش که آزد
که گاهی چو آتش بسوزی جهان گهی تیغ سان در فروزی جهان تنک جمله دل شکند زبان از ترا

بگرد بخندد جانب زر تو ‖ گهی در طلسمات و در ساحری ‖ [illegible] عالم شور و شر

گهی با غم آشنا شوی نقش بند ‖ ز نقشت مخمل نما نقشبند ‖ نمودی هر دلها در بز

زلفش زر امواج کردی رقم ‖ فاحسنت احسنت ای گلرخ ‖ ز شیخ نو خسب

دهقان در سال بیست و ششم از الف ‖ تسوید این کارگاه ماند به پایان

سرورش غیب ولهم لاریبی در سال تاریخش این قطعه گوش هم رسم فرد خواند ورد

خاطرم چنین نقش نکس ماند قطعه تاریخ سواد کتاب از سود و ترست ملطفه حرم حرم التجرج

کفا فلکم مدین بلا عکس منتب ‖ تاریخ سواد او چه پرسی از دل ‖ گمراه کنج حرام اولا

نسخ نیست ‖ تاریخ سواد او به دیگر ‖ بنگر که بعد از نقش با نام خوشتر ‖ چون

از سواد نوک قلم کند سخن درست ‖ تاریخ آن سواد دل از خاطرم نجست ‖ تا خفته

نگوش آمد از غیب ‖ چون در جمل حساب نمود [illegible] شران درست ‖ یعنی طلب [illegible] زر ان

روز [illegible] ‖ تحسین آن سواد که از خاطرات رست ‖ کرد [illegible] عنقا [illegible] زان صافی

صابران اجتهاد ز ده باید نشست ‖ شکر خدا که از مدد بخت کارساز

این نامه فاست من همچو خامه چست ‖ هر نو [illegible] از صد زبان [illegible] تا گاه

رفت [illegible] سرو کار [illegible] ‖ [illegible] بکوز ازین ماجرای ذوق

تم الکلام شد قلم رفته رفته پست

تمام شد

[illegible]

لنگی زیر و لنگی بالا ۱۲

نی غم دزد و نی غم کالا

بوقت صبح شود همچو روز معلومت ۱۲

که با که باخته عشق در شب دیجور ۱۲

چند بناز پرورم مهر بتان سنگدل
یاد پدر نمی‌کنند این پسران ناخلف

صوفی شهر بین که چون لقمه شبهه میخورد
پاردمش دراز باد این حیوان خوش علف